



Newly Found Information on Nasir al-Din Shah Qajar Based on the Eliminations of Five Unprofessional Omissions From his Diaries Case Study: Latin Writings of Nasir al-Din Shah In the Album No 97 "Boyutat-e Saltanati" (The Latin Writings of the Names of the Royal Harem)

Nasim Mohammadi¹

PhD in Persian Language and Literature, University of Tehran

Received: November, 14, 2020; Accepted: March, 8, 2021

(pp. 101-128)

Abstract

Nasir al-Din Shah was one of the most influential Iranian Kings. He wrote his diaries for many years. One of his notable characteristics was his knowledge of the French language; his diaries are considered as precious sources of information about this aspect of his personality. In many cases he used his knowledge of the French, one of which was writing in his diaries the names of the ladies from the Royal Harem with whom he had had intercourse. In such occasions, he would write the name of that lady with the French alphabet but with the Turkish pronunciation; thus he was apparently the very first Persian to have written Farsi words and sentences using the Latin alphabet. Unfortunately some of the individuals who edited his writings did so without first having gone methodically through the rules of specialized editing of manuscripts; this brought on errors and inaccuracy along with numerous manipulations of the contents of these notes, so that the recent publications of his diaries appear to be unreliable. One of these manipulations is related to changing and eliminating the Latin writings of the names of his wives. Our endeavor here, is to answer the question: what kind of information has been destroyed from various fields of knowledge such as Literature and History and more importantly, the King's personality after changing and eliminating the Latin writings of the names of his wives made by these editors inside the Album No 97? our research methods are descriptive and analytical.

Keywords: Nasir al-Din Shah, Diary, Royal Harem, Latin writings, French Language, Manuscript, Royal documents.

1. Email of Author: Nasim2314@yahoo.com

اطلاعاتی نویافته درباره ناصرالدین شاه قاجار بر اساس حذفیات پنج تصحیح غیر تخصصی از روزنامه خاطرات او مطالعه موردی: لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه در آلبوم شماره ۹۷ بیوتات سلطنتی (املای لاتین اسامی بانوان حرم)

نسیم محمدی^۱

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۰۱ تا ص ۱۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

علمی-پژوهشی

چکیده

ناصرالدین شاه از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاهان تاریخ ایران است که وقایع و خاطرات روزانه سال‌های بسیاری از عمر خود را در قالب چند آلبوم ثبت کرده است. یکی از ویژگی‌های او دانستن زبان فرانسه است و یادداشت‌هایش منبع ارزشمندی برای اطلاع از این وجه اوست. وی در مواضع مختلف از دانش فرانسه خود کمک می‌گیرد که یکی از آنها درج نام بانویی از حرم‌سراست که شب با او هم‌بستر شده است؛ در این موارد نام آن بانو را -به نظر با تلفظ ترکی- و به الفبای فرانسوی می‌نویسد و به این ترتیب ظاهراً نخستین ایرانی است که برای نوشتن کلمات و جملات فارسی از خط لاتین استفاده کرده است. یادداشت‌های وی به دلیل اشمال بر اطلاعات فراوانی درباره شخصیت او و اطلاعات ارزشمندی در سایر حوزه‌های دانش همواره مورد توجه مصححان بوده است؛ متأسفانه تعدادی از مصححان با غفلت از ملزومات تصحیح تخصصی نسخ خطی به سراغ این یادداشت‌ها رفتند که نتیجه آن بدخوانی‌ها و بی‌دقتی‌های فراوان و دست‌کاری‌های متعدد در متن یادداشت‌ها و در نهایت غیرقابل‌اعتماد کردن چاپ‌های یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه بوده است؛ یکی از نمودهای این دست‌کاری‌ها تغییر و حذف املاهای لاتین ناصرالدین شاه از اسامی بانوان حرم‌سراست؛ بر این اساس می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که تغییر و حذف املاهای لاتین اسامی همسران ناصرالدین شاه در آلبوم ۹۷ بیوتات از سوی مصححان، باعث نابودی چه اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف دانش از قبیل ادبیات، زبان‌شناسی، تاریخ و مهم‌تر از همه، شناخت شخصیت او شده است؟ روش ما در این مقاله توصیفی تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: ناصرالدین‌شاه قاجار، روزنامه خاطرات، زنان حرم‌سرا، زبان فرانسه، تصحیح غیر تخصصی، نسخه خطی، آلبوم بیوتات سلطنتی.

۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های شخصیتی ناصرالدین شاه دانستن زبان‌های خارجی مختلف و به‌خصوص زبان فرانسه است. از آنجاکه تنها تعداد انگشت‌شماری از اهل دربار به زبان فرانسه آشنایی داشته‌اند و خواندن و فهمیدن آن برای خیل بیشتر درباریان امکان‌پذیر نبوده است و همچنین شاید به خاطر علاقه به نوشتن به زبانی دیگر، وی در یادداشت‌های روزانه‌اش به‌خصوص در پنج موضع مهم از دانش زبان فرانسه خود کمک می‌گیرد:

نخست در مواردی که می‌خواهد از مسأله‌ای غیراخلاقی یا تابو در میان اهل دربار بنویسد؛

دوم در موارد تخطی از یک آموزه دینی-مانند نوشیدن مسکرات- که در هر حال می‌خواهد آن را در روزنامه‌ی خاطرات خود ثبت کند؛

سوم گاهی هنگامی که یکی از سیاسیون را به سخره می‌گیرد و یا به مسأله‌ای سیاسی می‌پردازد؛

چهارم گاهی در اشاره به هم‌خوابگی و عمل جنسی با زنان حرم‌سرا؛

پنجم درج نام بانویی از حرم‌سرا که شب با او هم‌بستر شده است؛

یکی از اطلاعات مهمی که از لاتین‌نوشت‌های او حاصل می‌شود، چگونگی تلفظ واژگان و جملات از زبان اوست؛ چراکه خوشبختانه وی در بسیاری از موارد، چه کلمات غیرفارسی و چه کلمات فارسی را با اعمال تلفظ خود می‌نویسد و خوانش این لاتین‌نوشت‌ها به ما نشان می‌دهد که این تلفظ‌ها باید از لهجه‌ی ترکی او ناشی شده باشند.

از اواخر دهه‌ی شصت شمسی به‌سوی دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه اقبال تازه‌ای آغاز شد. از آنجاکه آلبوم‌های یادداشت‌های او پس از انقلاب اسلامی به‌صورت پراکنده و نه یکجا، بخشی در سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران و تعدادی در کتابخانه‌ی سلطنتی کاخ گلستان نگهداری می‌شد و دسترسی به این آلبوم‌ها برای محققان حوزه‌ی تصحیح نسخ خطی و زبان و ادبیات فارسی اغلب با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بود، نخستین افرادی که توانستند به سهولت و بدون مانعی جدی به این نسخ دسترسی بیابند کارمندان بخش نگهداری از نسخ خطی این مراکز بودند که چندی بعد نیز به تصحیح این نسخ اقدام کردند.

می‌دانیم از ملزومات ورود به حوزهٔ جدی، تخصصی، دشوار تصحیح نسخ خطی داشتن نگاهی جامع‌نگر و اطلاعات وسیع و تخصصی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، متن‌شناسی، سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات و... است و غفلت از هر یک از این دانش‌ها در تصحیح نسخ، آسیب‌های جدی را برای متن در پی خواهد داشت. متأسفانه تصحیحات یادداشت‌های ناصرالدین شاه نیز از همان ابتدا به ضعف داشتن نگاه همه‌جانبه و تخصصی به متن از سوی مصححان گرفتار شد و درنهایت به بدخوانی‌ها و بی‌دقتی‌های فراوان و دست بردن‌های متعدد در متن نسخ و در نتیجه غیرقابل‌اعتماد شدن متن این تصحیحات انجامید. نگارنده که چندین سال است در حال مطالعه و تحقیق دربارهٔ آثار ناصرالدین شاه و به‌خصوص بررسی جنبهٔ سبک‌شناختی آثار اوست ضمن مقابله متن چاپی تصحیحات با اصل نسخ خطی یادداشت‌های وی متوجه شد بسیاری از عبارات تصحیحات انجام‌شده از آثار ناصرالدین‌شاه، اصلاً به آن صورت نیست و حاصل دست‌کاری‌های مصححان این آثار است.

اعمال نظر غیرعلمی مصححان در یادداشت‌های او نموده‌های مختلفی داشته است؛ یکی از این نموده‌ها تغییر و حذف املاهای لاتین ناصرالدین شاه از اسامی بانوان حرم‌سراست؛ بر این اساس ما می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که:

تغییر و حذف املاهای لاتین اسامی همسران ناصرالدین شاه قاجار از سوی مصححان یادداشت‌های روزانه او باعث نابودی چه اطلاعات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف دانش از قبیل ادبیات، زبان‌شناسی، تاریخ و مهم‌تر از همه، شناخت شخصیت ناصرالدین شاه شده است؟

از آنجاکه به نظر می‌رسد یادداشت‌های ناصرالدین شاه به‌صورت منظم با آلبوم شماره ۹۷ بیوتات سلطنتی آغاز می‌شود و مصححان از یک آلبوم ۶۹۲ صفحه‌ای، پنج کتاب استخراج کرده‌اند و در تمام این پنج کتاب املاهای لاتین شاه از نام بانوان حرم‌سرا را تغییر داده‌اند و حذف کرده‌اند به نشان دادن این تغییرها و حذف‌ها فقط در آلبوم ۹۷ و این پنج کتاب می‌پردازیم.

گفتنی است مقاله پیش رو نخستین نقد علمی و جدی بر یکی از نابسامانی‌های پنج تصحیح انجام‌شده از یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه قاجار است که به روش توصیفی تحلیلی صورت خواهد گرفت.

۲. معرفی نسخ خطی روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

الف. آلبوم‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران:

۱. آلبوم شماره ۹۷: وقایع سال ۱۲۷۹ ه.ق^(۱) تا سال ۱۲۸۵ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به مازندران، خراسان، قم و اطراف تهران.
۲. آلبوم شماره ۹۵: وقایع سال ۱۲۸۵ ه.ق تا سال ۱۲۸۸ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به مناطق مختلف تهران، مازندران، گیلان و عتبات.
۳. آلبوم شماره ۹۴: وقایع سال ۱۲۸۸ ه.ق تا سال ۱۲۹۳ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر نخست به فرنگ.
۴. آلبوم شماره ۸۱: وقایع سال ۱۲۹۳ ق تا سال ۱۲۹۹ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر دوم به فرنگ.
۵. آلبوم شماره ۹۲: وقایع سال ۱۲۹۹ ه.ق تا سال ۱۳۰۱ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به خراسان.
۶. آلبوم شماره ۹۳: وقایع سال ۱۳۰۱ ه.ق تا سال ۱۳۰۴ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.
۷. آلبوم شماره ۹۶: وقایع سال ۱۳۰۶ ه.ق تا سال ۱۳۰۸ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر سوم به فرنگ.

ب. آلبوم‌های موجود در مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان:

۱. آلبوم دربرگیرنده وقایع محرم سال ۱۳۰۶ ه.ق تا شعبان سال ۱۳۰۶ ه.ق^(۳).
۲. آلبومی که دربرگیرنده پنج آلبوم است:
 - ۱-۲. آلبوم اول: وقایع سال ۱۳۰۸ ه.ق تا سال ۱۳۰۹ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران و مازندران.
 - ۲-۲. آلبوم دوم: وقایع سال ۱۳۰۹ ه.ق تا سال ۱۳۱۰ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به عراق عجم.
 - ۳-۲. آلبوم سوم: وقایع سال ۱۳۱۰ ه.ق تا سال ۱۳۱۲ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.
 - ۴-۲. آلبوم چهارم: وقایع سال ۱۳۱۲ ه.ق تا سال ۱۳۱۳ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.

۲-۵ آلبوم پنجم: وقایع سال ۱۳۱۳ ه.ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران تا ۴۸ ساعت پیش از ترور و مرگ.

درباره این آلبوم‌ها ذکر چند نکته ضروری است:

۱. می‌بینیم در فهرستی که ذکر کردیم از آلبوم دربردارنده یادداشت‌های سال ۱۳۰۵ قمری اطلاعاتی داده نشده است. ظاهراً تنها کسی که زمانی به محتویات این آلبوم دسترسی داشته است و بخش‌هایی از مطالب این یادداشت‌ها را بدون ذکر هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره شماره ثبت یا اطلاعات نسخه‌شناسی در آثار خود به‌کاربرده، خانم فاطمه قاضیها مدیر سابق بخش اسناد قدیم سازمان اسناد ملی ایران است:

نخست در کتاب *سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه.ق)* می‌نویسد: «... پس از آن خاطرات ناصرالدین شاه از این سفر که برای اولین بار منتشر می‌گردد. [کاربرد نادرست نقطه در جمله از نویسنده است] ذیل عنوان «خاطرات ناصرالدین شاه در سفر پنجم قم» درج خواهد شد.» (قاضیها، ۱۳۸۱: ۷۹) در ادامه از صفحه ۸۳ تا ۱۲۹ کتاب، یادداشت‌های ناصرالدین شاه از ۱۹ رجب ۱۳۰۵ ه.ق تا ۴ شعبان ۱۳۰۵ ه.ق قرار دارد. مصحح به تصحیح خود از روی نسخه هم اشاره نمی‌کند بنابراین هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره نسخه داده نشده است.

دوم در صفحات ۸۱ تا ۸۵ کتاب *مراسم دربار ناصر (جشن آشپزان)*: ۱۲۸۵-۱۳۱۳ ه.ق یادداشت‌های ۱۸ تا ۲۱ ذیحجه ۱۳۰۵ ه.ق را درج کرده و در ارجاع به نسخه اکتفا کرده است به ذکر این جمله: «سازمان اسناد ملی ایران، بیوتات» (همو، ۱۳۹۱: ۸۶). بخشی از مشکل از آنجاست که تا سالیان متمادی سازمان اسناد به ورود اطلاعات شماره‌گذاری و مستند نگاری اسناد اقدام نکرد و به نظر می‌رسد همچنان نیز اطلاعات بسیاری از اسناد و نسخ، ثبت نشده است زیرا نگارنده باوجود پیگیری‌های فراوان برای یافتن شماره ثبت و محل نگهداری این نسخه درنهایت با اظهار بی‌اطلاعی کارمندان سازمان اسناد و سایر پژوهشگرانی که احتمال می‌داد از این یادداشت‌ها اطلاعی داشته باشند، مواجه شد.

۲. درباره آلبوم ۹۳ نیز به نظر می‌رسد شماره مدرکی از آن ثبت نشده است و پیگیری‌های فراوان نگارنده از سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز درنهایت به این جمله ختم شد که: «آلبوم قابل‌دسترسی نیست.» گفتنی است ظاهراً آخرین فردی که این آلبوم را دیده و خوشبختانه از آن در کتاب *فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات توصیفی* ارائه کرده است آقای سید علی آل‌داود است در سال ۱۳۹۰ ش.^(۴)

۳. لازم به ذکر است از ناصرالدین شاه یادداشت‌های کوتاهی از سال‌های ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵ باقی مانده است^(۵) که می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه او از همان سال‌ها به نگارش و ثبت وقایع و لحظه‌های زندگی علاقه داشته است و شاید از همان دوران، روزنامه خاطرات نویسی را آغاز کرده است؛ اما آنچه تا به امروز از روزنامه‌های خاطرات او برای ما شناسایی شده و به آنها دسترسی داریم همان آلبوم‌هایی است که ذکر کردیم و وقایع سال‌های ۱۲۷۹ ق تا ۱۳۱۳ ه.ق را به صورت منظم و مسلسل، در برمی‌گیرد.

۴. درباره آلبوم‌های موجود در کاخ گلستان باید به دو نکته اشاره کرد:

نخست آنکه شاید بتوان گفت اگر در گذشته مردم عادی را به کاخ شاهی بار نبوده است امروزه پژوهشگران و محققان را به مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان تقریباً بار نیست؛ به این ترتیب آن تعداد از آلبوم‌های روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه نیز که در کاخ گلستان قرار دارد تقریباً غیرقابل دسترسی‌اند و تنها راه اطلاع از مطالب آنها تصحیحاتی است که از سوی خانم الهام ملکزاده (مصحح یک آلبوم) و آقای مجید عبدامین (مصحح بقیه آلبوم‌های کاخ گلستان) صورت گرفته است که به تنهایی یا به صورت مشترک با همسر محترمشان سرکار خانم نسرین خلیلی، مسؤول بخش اسناد خطی تاریخی دوره قاجار در کاخ گلستان تصحیح کرده‌اند و طبعاً بررسی کیفیت این تصحیحات و قابل اعتماد و استناد بودن یا نبودن آنها منوط است به مقابله با اصل نسخ.

۳. معرفی آلبوم شماره ۹۷ بیوتات سلطنتی

آلبوم شماره ۹۷ بیوتات سلطنتی به شماره منبع: ۲۹۵/۷۲۲۶ و شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۰۸۰۵۷ دربرگیرنده روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سال‌های ۱۲۷۹ ه.ق تا ۱۲۸۵ ه.ق است. این آلبوم به قطع رحلی بزرگ است و ۶۹۲ صفحه دارد. در ابتدای آن نوشته شده «فهرست جلد اول» که به ترتیب حروف الفبا نام مکانی که شاه در آن حضور داشته، سال حضورش و شماره صفحه، نوشته شده است.^(۶)

۴. تصحیحات صورت گرفته از بخش‌های مختلف آلبوم ۹۷

نخستین بار فاطمه قاضیها به سراغ تصحیح این آلبوم می‌رود و از ابتدا تا صفحه ۹۶ آن را در کتابی با عنوانی خودساخته و نابجا به نام گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۸۹ ش از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌کند. وی با وجود سال‌ها کار در سازمان اسناد که طبعاً از او انتظار می‌رود در مقدمه

خود به معرفی دقیق، علمی و کامل نسخه‌ای بپردازد که تصحیح کرده است، هیچ‌گونه توضیحی درباره ویژگی‌های نسخه ارائه نمی‌دهد؛ به‌جای این بخش ضروری در یک کتاب مصحح، ۵۸ صفحه کاملاً غیرضروری درباره «تاریخچه شکارهای شاهانه در ایران»^(۷) می‌نویسد و روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه را که از توصیف احوال روزانه خود و اطرافیانش گرفته تا ذکر اتفاقات تلخ و شیرین و دیده‌ها و شنیده‌ها، به یک «شکارنامه» ساده تقلیل می‌دهد.^(۸) به نظر می‌رسد قرار بوده او دنباله این بخش و از صفحه ۹۷ تا ۱۴۵ آلبوم را هم به کتابی دیگر در حدود ۵۰ صفحه تبدیل و منتشر کند که این کار در آن زمان صورت نمی‌گیرد.

در سال ۱۳۹۵ مجید عبدامین از صفحه ۱۴۵ تا پایان صفحه ۳۰۳ آلبوم را تحت عنوان *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه: ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ تا ربیع‌الاول ۱۲۸۳ به انضمام سفرنامه مازندران از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر می‌کند*. وی در همان مقدمه آغازین خود بر کتاب درباره نسخه پیش رویش دو داده غلط می‌دهد: «کتابی که پیش روی خوانندگان عزیز قرار دارد، حاصل استنساخ بخشی (صفحات ۱۵۰ الی ۳۱۲) از آلبوم شماره ۹۷ از مجموعه آلبوم‌های بیوتات است ... این مجلد متضمن ۷۰۰ صفحه می‌باشد» (همو، ۱۳۹۵ الف: دوازده).

ایراد نخست: مصحح در تمام طول این کتاب - و همچنین در سایر تصحیحات خود از بخش‌های دیگر آلبوم ۹۷- به‌جای درج شماره‌ای که بر روی خود نسخه خطی دیده می‌شود به درج شماره عکسی پرداخته است که در فایل اسکن پیش روی خود (با احتساب عکس روی و پشت جلد و سایر صفحات بی‌ارتباط با متن) در دستگاه کامپیوتر خود مشاهده کرده است؛ بنابراین صفحات ۱۵۰ تا ۳۱۲ غلط است و صحیح آن ۱۴۵ تا ۳۰۳ است. این بی‌دقتی باعث شده است که در تصحیحات او از بخش‌های مختلف آلبوم ۹۷ گاهی ۱۰ تا ۱۲ صفحه اختلاف شماره‌گذاری صورت گیرد که طبعاً برای مراجعه آتی پژوهشگران به نسخه خطی بسیار دردسرساز است.

ایراد دوم: آلبوم ۹۷ از صفحه ۱ تا ۶۸۸ دارای شماره است که با دو صفحه فهرست ابتدای آن که بی‌عدد است و یک صفحه خالی در ابتدا و انتهای آن می‌شود ۶۹۲ صفحه و نه ۷۰۰ صفحه.^(۹)

در همان سال ۱۳۹۵ از صفحه ۳۰۴ تا ۵۸۰ آلبوم با عنوان *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادى‌الثانی ۱۲۸۴ به انضمام سفرنامه اول خراسان* بار دیگر از مجید عبدامین و این بار از سوی انتشارات دکتر محمود افشار با

همکاری نشر سخن چاپ می‌شود. مقدمه این کتاب تنها با تغییری اندک در افعال و تغییر تقدم و تأخر چند جمله، همان مقدمه کتاب قبلی است^(۱۰) که شایسته بود مصحح در کتابی که برای نشر دیگری چاپ کرده است به این موضوع اشاره می‌کرد. گفتنی است وی در قسمتی از مقدمه کوتاه خود بخشی از مقاله آقای سید علی آل‌داود را با عنوان *ناصرالدین شاه خاطره‌نویس عیناً نقل کرده است* اما به ذکر ارجاع غیرمستقیم اکتفا کرده است.^(۱۱)

در سال ۱۳۹۷ دو بخش دیگر از یادداشت‌های آلبوم ۹۷ چاپ می‌شود؛ کتاب *نخست: عبدامین به سراغ بخش پایانی آلبوم ۹۷ یعنی از صفحه ۵۸۰ تا ۶۸۷ می‌رود و بعد تصمیم می‌گیرد صفحات ۱ تا ۱۹۷ آلبوم ۹۵ را هم به آن ضمیمه کند و به این ترتیب بازهم نظم آلبوم‌ها به هم می‌خورد.* این کتاب با عنوان *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ به انضمام سفرنامه‌های قم، لار، کجور و گیلان از سوی انتشارات قبلی چاپ می‌شود.*

مسأله قابل‌ذکر آن است که مصحح می‌نویسد: «از صفحه ۲۷ کتاب، به شرح کامل و بسیط سفر ناصرالدین شاه به شهر قم و شکارگاه مسیله اختصاص یافته است.» (همان: نوزده) که شایسته بود اشاره می‌کرد این بخش قبلاً توسط قاضیها در کتاب *سفرهای ناصرالدین شاه به قم* در سال ۱۳۸۱ تصحیح و منتشر شده است.^(۱۲)

کتاب *دوم: سرانجام بعد از هشت سال یادداشت‌های صفحه ۹۷ تا ۱۴۵ آلبوم ۹۷ که همچنان چاپ نشده باقی مانده بود با تصحیح فاطمه قاضیها و از سوی انتشارات میراث مکتوب منتشر می‌شود.* عنوان کتاب *دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه از سفر و شکار در فیروزکوه (محرم‌الی ربیع‌الاول ۱۲۸۲)* گذاشته می‌شود که بار دیگر انتخابی است ناروا زیرا این شبیه را ایجاد می‌کند که ناصرالدین شاه آلبوم یا دفتر جدایی را به نوشتن این سفر خاص اختصاص داده است حال‌آنکه چنین نیست. تنها نکته مثبت این چاپ، قرار گرفتن تصویر این چهل‌وهشت صفحه از نسخه خطی در انتهای آن است.

متأسفانه باید گفت هیچ‌یک از دو مصحح در تصحیح یادداشت‌های این آلبوم دقت و جامع‌نگری کافی و لازم را نداشته‌اند و از رعایت جوانب ادبی، زبانی، سبک‌شناسی و بایدها و نبایدها و اصول و فنون تصحیح نسخه خطی غفلت ورزیده‌اند؛ به همین دلیل بدخوانی‌های مکرر، دست‌کاری‌های فراوان، حذف‌های متعدد کلمات و جملات فارسی یا غیرفارسی که خوانش و یا فهم آنها برای مصحح دشوار بوده است و اشتباهات

بی‌حد و حصر در به کار بردن سرخود و ناآگاهانه علائم ویرایشی و نگارشی که در مواردی باعث تغییر معنای جمله و حتی سبک نویسنده شده است و ایرادهای فنی و ساختاری بسیار مهم و آسیب‌زننده به نسخه به این تصحیحات راه یافته است؛ بنابراین لازم است پژوهشگران و به‌ویژه مدرسان و دانشجویان رشته تاریخ در ارجاع به متن این تصحیحات که از منابع دست‌اول و مهم تحقیقات تاریخی محسوب می‌شوند نهایت دقت را داشته باشند و پیش از هر ارجاعی، از وجود کلمه یا جمله موردنظر در اصل نسخه خطی اطمینان حاصل کنند.

۵. املای لاتین اسامی همسران ناصرالدین شاه قاجار در آلبوم ۹۷ و تغییر و حذف آن از سوی مصححان این آلبوم

می‌دانیم هر آنچه از حریم درونی انسان و اندیشه او چه در قالب گفتار و چه نوشتار، خارج شود دیگر به‌عنوان یک امر پنهان و شخصی تلقی نمی‌شود و حتی اگر فقط با امین‌ترین افراد به اشتراک گذاشته شود و یا در امن‌ترین مکان‌ها نگهداری شود، باز هم امکان شنیده و خوانده شدن از سوی دیگران وجود دارد. خاطره‌نویسی و یادداشت شخصی نویسی هم از مقولاتی است که به‌محض آنکه نویسنده ذهنیات و افکار خود را از امن‌گاه روان بر مرکب قلم می‌نشانند و به بستر کاغذ روانه می‌دارد، دیگر تنها متعلق به او نیست. ناصرالدین شاه نیز مانند هر فردی که تا به حال به نوشتن افکار شخصی خود اقدام کرده است، به‌خوبی به این امر واقف بود و به‌تبع، در این مورد هوشیاری‌ها و محافظه‌کاری‌هایی به خرج داده است؛ هرچند عوامل دیگری هم بر این مسأله دامن می‌زد: در اختیار دارالطباعة قرار دادن بعضی از سفرنامه‌هایش برای چاپ در روزنامه و در دسترس عموم قرار گرفتن آنها، کتابت و خوشنویسی بعضی از یادداشت‌هایش توسط خطاطان معروف، تجلید و تزئین دفترهای یادداشت او، بیان شفاهی بخش‌هایی از اتفاقات روزانه و نگارش هم‌زمان آنها توسط کاتبان و عواملی از این قبیل؛ به همین دلیل هرچند آزادانه درباره افکار و احوال خود می‌نویسد، آنجا که به هم‌خوابگی با زنان حرم‌سرا می‌رسد و یا انجام عملی غیردینی که خود مرتکب شده (مانند نوشیدن مسکرات) ترجیح می‌دهد به زبان فرانسه بنویسد که کمتر افرادی از اهل دربار به آن آگاهی داشتند. وی برای اشاره به هم‌خوابگی با زنان خود اغلب از اصطلاح «بله شدن»^(۱۳) استفاده می‌کند:

دیشب Belkis و Oklbek بله شده بودند. (نسخه خطی

آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۲۲۲۶: ۱۰)

باید توجه داشت که احترام به زنان حرم‌سرا بر همگان واجب بوده است و طبعاً ناصرالدین شاه هنگام نوشتن به این مسأله توجه داشته که در صورت خوانده شدن این نوشته‌ها از سوی افراد دیگر صحیح نیست آنها از جزئیات رابطه جنسی او با این بانوان باخبر شوند. در رساله «تعیین حدود احترامات سفرا در ایران» از اعتمادالسلطنه می‌خوانیم:

«فصل سوم: خادمان حرم جلالت که از کوچه‌های شهر یا شوارع صحرا عبور فرمایند اگر به وزرای مختار یا زوجات آنها تصادف نمایند در حالتی که وزیرمختار سواره یا در کالسکه باشد باید آنچه نوکر از ایرانی و فرنگی همراه دارد بجز کالسکه‌چی - از راه خارج بشوند و معبر را خلوت کنند، آن وقت خود وزیرمختار به تنهایی در صورتی که معبر منحصر باشد سواره یا با کالسکه در کمال عجله خواهد گذشت و یقین است که ملاحظه ادب کرده از نگاه صرف نظر می‌نماید بلکه روی خود را برمی‌گرداند ... غیر از وزرای مختار از فرنگیهائی که از جلو می‌آیند باید کالسکه خود را نگاه داشته پیاده شوند و روی خود را برگردانند تا کالسکه‌های حرم جلالت بگذرند، آن وقت راه خود را گرفته بروند. فصل چهارم: در کوچه‌های شهر و یا خیابانهای بیرون اگر از فرنگیهائی پیاده باشند و کالسکه‌های حرم جلالت عبور نمایند باید مثل سایر مردم روی خود را برگردانند همچنان که در دولت عثمانی نیز این قرار گذاشته شده است» (محدث، ۱۳۹۱: ۳۹۰).

بنابراین وقتی حتی نگاه مستقیم به اهل حرم هم ممنوع بوده است، طبعاً احتمال خواندن اتفاقی و یا غیر اتفاقی نوشته‌هایی درباره حالات و اندام‌های جنسی زنان حرم‌سرا هم چیزی نبوده است که باب میل شاه باشد؛ چه بسا بتوان مسأله غیرت را هم بر همه این عوامل افزود.

حال به بررسی رویکرد فاطمه قاضیهها و مجید عبدامین به این مسأله در تصحیحات خود از بخش‌های مختلف نخستین آلبوم روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه می‌پردازیم: قاضیهها در مقدمه کتاب گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار می‌نویسد: «اسامی زن‌ها را هنگامی که به صورت فهرست ارائه داده یا صحبتی در مورد آنها کرده، به فارسی نوشته است، ولی وقتی قرار خلوت با آنها داشته به صورت لاتین نوشته بود.^(۱۴) و چون در بسیاری موارد غلط بود تصحیح شد» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۲۳).

همو در مقدمه کتاب دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه از سفر و شکار در فیروزکوه می‌نویسد: «اسامی زن‌ها را هنگامی که به صورت فهرست ارائه داده یا صحبتی در مورد آنها نموده به

فارسی نوشته است ولی وقتی قرار خلوت با آنها داشته به خط فرانسه نوشته بود و چون در بسیاری موارد غلط بود تصحیح گردید»^(۱۵) (همو، ۱۳۹۷ ج: بیست و چهار).

مجید عبدامین در مقدمه کتاب *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه ... به انضمام سفرنامه مازندران* می‌نویسد: «اسامی که به زبان لاتین و اکثراً ناقص و غلط نوشته شده، به فارسی^(۱۶) و داخل چنگک قرار داده شده است» (همو، ۱۳۹۵ الف: چهارده).

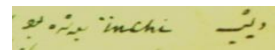
همو در کتاب *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه ... به انضمام سفر اول خراسان* می‌نویسد: «اسامی و نام‌هایی که به زبان لاتین و اکثراً ناقص و غلط نوشته شده است، همچون^(۱۷) (uchi... = [یوشی]، enis... = [انیس‌الدوله]) به فارسی تبدیل یافته و داخل چنگک قرار داده شده است» (همو، ۱۳۹۵ ب: بیست).

وی در مقدمه کتاب *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه ... به انضمام سفرنامه‌های قم، لار، کجور و گیلان* نیز تنها با تغییر یک کلمه همان جملات بالا را تکرار کرده است.^(۱۸)

۵-۱. رویکرد مجید عبدامین به املاهای لاتین اسامی بانوان حرم‌سرا از سوی ناصرالدین شاه:

عبدامین روشی غیرعلمی را در تصحیح پیش گرفته و تمام املاهای لاتین ناصرالدین شاه را از اسامی زنان حذف کرده و در متن کتاب صورت فارسی آنها را نوشته است. طبعاً ذکر مجدد املاهای فارسی کلمه‌ها برای محققان فارسی‌زبان فایده‌ای ندارد و به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم:

(نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش



(۱۷۳: ۲۹۵/۷۲۲۶)

دیشب [یوشی] ... شده بود. (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵ الف: ۴۵)

یک خط تصحیح نسخه و سه ایراد فنی:

۱. حذف بی‌دلیل و خودسرانه املاهای لاتین نویسنده از متن نسخه خطی و جایگزینی آن با کلمه‌ای معادل؛

۲. حذف بی‌دلیل اصطلاح «بله شدن» که در برابر «داشتن رابطه جنسی» یا «هم‌بستر شدن» قرار می‌گیرد؛ به عقیده نگارنده این سطور به همان نسبتی که این عبارات در نوشتار یا گفتار زشت و بد و غیراخلاقی نیستند «بله شدن» هم که تازه اشاره‌ای است غیرمستقیم به این رفتار، زشت و غیراخلاقی نیست پس حذف آن کاملاً بی‌دلیل است.

۳. ارجاع درون متن کتاب به غلط به صفحه ۱۷۷ نسخه خطی است حال آنکه این جمله در صفحه ۱۷۳ نسخه آمده است.

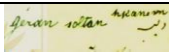
۲-۵. رویکرد فاطمه قاضیها به املاهای لاتین اسامی بانوان حرمسرا از سوی ناصرالدین شاه:

ناصرالدین شاه بعضی از اسامی را به چند شکل نوشته است اما خانم قاضیها همه را به یک صورت تغییر داده است. در ستون اول املاهای لاتین ناصرالدین شاه را از نام بانوان حرمسرا درج کرده‌ایم و املاهای مختلفی را که از یک نام داشته است نیز ذیل همان نام آورده‌ایم؛ در ستون سوم املاهایی را که قاضیها برای آن نام در کتاب ثبت کرده، نوشته‌ایم.

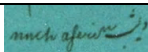
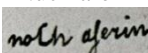
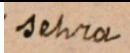
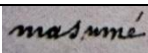
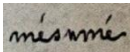
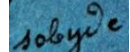
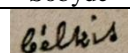
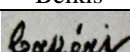
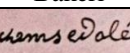
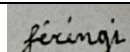
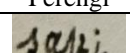
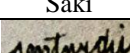
جدول ۱. تصحیحات فاطمه قاضیها در کتاب گزارش شکارهای ناصرالدین شاه

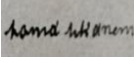
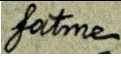
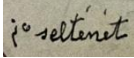
| شماره صفحه کتاب گزارش شکارهای ناصرالدین شاه | تغییر مصحح | شماره صفحه آلبوم ۹۷ بیوتات | املاهای ناصرالدین شاه | |
|--|----------------------|-------------------------------|---|---|
| ۱۰۵ ۱۳۰ ۱۴۲ | Aniss-al-doleh | ۸ ۱۹ ۵۸ | <i>enis edole</i> Enis edole <i>enic edole</i> Enic edole <i>enis edole</i> Enis édolé | ۱ |
| ۱۱۰ | Bellequeis | ۱۰ | <i>Belhis</i> Belkis | ۲ |
| ۱۱۱ حذف کلمه در ص ۱۱۳ ^(۱۹) ۲۲۹ | Oghual Béké | ۱۰ ۱۱ ۵۲ | <i>Oklbek</i> Oklbek <i>Okolbeké</i> Okolbeké <i>Okol Béké</i> Okolbéke | ۳ |
| ۱۱۲ | Soroural saltanéh | ۱۱ | <i>Sororis ltane</i> Sororés ltane | ۴ |
| ۱۱۳ | Fateme | ۱۱ | <i>Fatmé</i> Fatmé | ۵ |
| حذف کلمه در ص ۱۱۳ ۱۲۶ | Taarchi | ۱۱ ۱۷ | <i>Tardji</i> Tardji | ۶ |

| | | | | |
|-------------------|----------------------------------|----------------|---|----|
| ۱۳۰ | Dokhtar Emaad-al-doleh | ۱۸ |  Dokhtar Émad | ۷ |
| ۱۱۹ ۲۰۸ ۲۲۹ | Zobeideh Zobéideh Zobéideh | ۱۳ ۴۴ ۵۲ |  Sobide  Sobidé  Sebide | ۸ |
| ۱۳۰ | Zaaghie | ۱۸ |  Zaqi | ۹ |
| ۱۳۳ ۱۸۷ | Shirasie | ۲۰ ۳۶ |  Chirasi  Chrsasi | ۱۰ |
| ۱۳۵ | Gueline Khanom | ۲۱ |  Glinhkaném | ۱۱ |
| ۱۳۷ ۲۰۸ | Taadj-al-doleh | ۲۲ ۴۴ |  Tadjedolé  Tadjedole | ۱۲ |
| ۱۳۷ | Taadj Gaule | ۲۲ |  Tadjgoll | ۱۳ |
| ۱۴۳ | شکوه السلطنه | ۲۳ |  Choquhesltené | ۱۴ |
| ۱۴۵ | Homa Khanom | ۲۴ |  Homakhan | ۱۵ |
| ۱۹۵ | خانم نواب | ۳۹ |  Nvab | ۱۶ |
| ۲۰۶ | Dokhtar Salaar | ۴۳ |  Dohkter çalar | ۱۷ |
| ۲۰۹ | Santoorchie | ۴۵ |  Séntordji | ۱۸ |
| ۲۱۲ | دختر Baghér | ۴۶ |  Baker دختر | ۱۹ |
| ۲۴۱ | Shirasie Koochekeh | ۵۸ |  Chirasi quchéq | ۲۰ |

| | | | | |
|-----|------------------------|----|--|----|
| ۳۱۱ | Sultân Khanom Gondé | ۷۸ |  Géran Soltan Hkanem | ۲۱ |
|-----|------------------------|----|--|----|

جدول ۲. تصحیحات فاطمه قاضیها در کتاب دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه از سفر فیروزکوه

| شماره صفحه کتاب دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه از سفر فیروزکوه | تغییر مصحح | شماره صفحه آلبوم ۹۷ بیوتات | املای ناصرالدین شاه | |
|--|-------------------|-------------------------------|--|----|
| ۹ ۵۵ | Nossh Afarineh | ۱۰۱ ۱۲۴ |  Nuch aferin  Noch aferin | ۱ |
| ۱۱ | Zahra | ۱۰۲ |  Sehra | ۲ |
| ۱۲ ۸۷ | Massoomeh | ۱۰۳ ۱۴۰ |  Masumé  Mésomé | ۳ |
| ۱۷ | Zobeideh | ۱۰۶ |  Sobyde | ۴ |
| ۳۱ | Bellequeis | ۱۱۲ |  Bélkis | ۵ |
| ۳۹ | Bagheri | ۱۱۶ |  Bakéri | ۶ |
| ۵۰ | Shamsaldoleh | ۱۲۲ |  Chems edolé | ۷ |
| ۶۲ | Farangie | ۱۲۸ |  Féréngi | ۸ |
| ۶۶ | Zaaghie | ۱۲۹ |  Saki | ۹ |
| ۶۸ | Santorchie | ۱۳۰ |  Santurdji | ۱۰ |

| | | | | |
|----|-------------|-----|--|----|
| ۷۷ | Homa Khanom | ۱۳۵ |  Homá Hkanem | ۱۱ |
| ۸۸ | Fateme | ۱۴۱ |  Fatme | ۱۲ |
| ۹۱ | Sultan | ۱۴۴ |  Selténét | ۱۳ |

۶. نقدی بر رویکرد دو مصحح نسبت به املاهای لاتین اسامی زنان از سوی ناصرالدین شاه:

هر دو مصحح معتقدند چون ناصرالدین شاه این اسامی را «غلط» نوشته به «تصحیح» این نامها اقدام کرده‌اند بنابراین ما در اینجا با دو واژه مهم سروکار داریم:

غلط و تصحیح:

ابتدا باید گفت که «غلط» دانستن هر مسأله‌ای در حوزه دانش نخست منوط به ارائه دلایل قوی و مستدل از سوی محقق - در اینجا مصحح- است و پس از آن باید صریح و روشن توضیح دهد برای اصلاح چیزی که غلط می‌داند چه رویکرد اصلاحی را برگزیده است؟ در غیر این صورت منطقی است که برای محققان حوزه‌های مختلف دانش و خوانندگان کتاب مصحح سؤالاتی از این دست مطرح شود:

مصححان معیار غلط نوشتن را چه می‌دانند؟ اینکه املا نامها با تلفظ فارسی معیار کنونی متفاوت است؟ و یا اسامی به صورت دقیق فارسی‌نگلیسی^(۲۰) نوشته نشده‌اند؟ آیا مصححان بر زبان فرانسه تسلط دارند و حال تلفظ ناصرالدین شاه را مطابق با تلفظ زبان فرانسه کنونی نمی‌دانند؟ آیا اصلاً در وهله نخست متوجه شده‌اند که املاهای بسیاری از این اسامی با الفبای فرانسوی و احتمالاً با اعمال لهجه ترکی از سوی ناصرالدین شاه همراه بوده است؟ یا همین که دیده‌اند مثلاً ناصرالدین شاه برای نوشتن صدای «ش» به جای حروف "SH" (در زبان انگلیسی) از "CH" (در زبان فرانسه) استفاده کرده است، پس غلط نوشته است؟ اصلاً آیا منظورشان از غلط بودن، ایراد در تلفظ است یا شکل املا؟ متأسفانه می‌بینیم که هیچ‌یک از دو مصحح معیار غلط دانستن این املاها را توضیح نداده‌اند و فقط به رویکرد خود که تغییر و حذف است اشاره کرده‌اند.

دوم واژه «تصحیح»: توجه به این نکته بسیار ضروری است که افرادی که به سراغ تصحیح نسخ خطی می‌روند نخست باید تعریف علمی، تخصصی و دقیقی از عمل

«تصحیح» نسخه و باید‌ها و نباید‌های آن داشته باشند؛ در غیر این صورت ممکن است به این شبهه دچار شوند که عبارت «تصحیح» نسخه همان بار معنایی را دارد که مثلاً در «تصحیح» برگه امتحان دانش‌آموزان به کار می‌بریم و به‌عنوان مثال «تصحیح» نسخه خطی یادداشت‌های ناصرالدین شاه یعنی داشتن مجوز کشیدن خط بطلان بر اغلاط املائی او و نوشتن املائی صحیح کلمات به‌کاررفته، به‌جای آنها؛ البته که در این حالت هم معلم کلمات غلط دانش‌آموز را به‌طور کلی حذف نمی‌کند بلکه با حفظ کلماتی که اشتباه نوشته شده‌اند، شکل صحیح را در زیر آنها می‌نویسد تا دانش‌آموز متوجه شود ایرادش در کدام حروف بوده است.

نداشتن تعریف دقیق از مقوله تصحیح نسخ خطی باعث می‌شود مصحح هر وقت احساس یا تصور کند کلمه یا جمله‌ای در اصل نسخه غلط است و یا خوانش یا معنی آن برای او دشوار یا نامفهوم است آن را با اجازه خود و به‌دلخواه تغییر دهد یا اصلاً به‌طور کامل حذف کند و این دست بردن در متن را با ذکر دقیق کلمه یا جمله‌ای که تغییر داده یا حذف کرده در پاورقی یا بخش حواشی یا حداقل در بخش تعلیقات کتاب متذکر نشود.

گفتنی است حتی اگر مصحح احتمال می‌دهد خواندن از روی واژگان لاتین برای خواننده غیرمتخصص یا حتی متخصص دشوار است، باز هم باید ابتدا جانب امانت را نگاه دارد و واژگان نسخه را به همان شکل که نوشته شده‌اند حفظ کند و در متن قرار دهد و بعد املائی فارسی کلمات را برای راهنمایی خواننده در قلاب یا پاورقی ذکر کند. عبدامین که کلمات را یکجا به فارسی تغییر داده و جای بحثی باقی نگذاشته است؛ اما به بررسی املائی کلماتی خواهیم پرداخت که فاطمه قاضیها به‌عنوان «تصحیح» املائی غلط لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه جایگزین آنها کرده است.

ابتدا باید گفت وی به‌هیچ‌عنوان مشخص نکرده است که در ضبط اعلام به شکل لاتین قرار است از کدام نظام قراردادی پیروی کند؟ آیا قصد دارد کلمات را با تلفظ فارسی معیار کنونی و مثلاً به‌صورت فارسی‌نگلیسی ضبط کند؟ یا بر اساس تلفظ انگلیسی؟ یا فرانسه؟ زیرا به‌طور قطع می‌توان گفت، ضبط اسامی از سوی او به‌صورت یکدست و نظام‌مند و بر اساس معیاری واحد صورت نگرفته است؛ بسیاری از ضبط‌ها به‌کل غلط است، تعداد زیادی هم ضبط پریشان دارد؛ یعنی به‌عنوان مثال چند حرف نخست کلمه به الفبای انگلیسی نوشته شده‌اند اما چند حرف آخر آن به صورتی کنار

هم قرار گرفته‌اند که در زبان فرانسه نماینده صدایی خاص‌اند. اگر مصحح برای ثبت اسامی با این املا از منابعی مانند سفرنامه‌های غربیان به ایران یا سایر متون استفاده کرده است، باید از منابع خود نام می‌برد و اگر از فردی دیگر کمک گرفته است، به‌یقین آن فرد زبان‌دان نبوده است و اگر هم با اجتهاد شخصی به این ضبط‌ها رسیده است که متأسفانه باید گفت اغلب این اجتهادات غلط بوده است.

نگارنده قطعاً با تغییر و حذف لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه مخالف است و نشان دادن این را که او باید آن نام را چنین و چنان می‌نوشت، کاملاً بی‌فایده می‌داند اما ادعای مصحح را درباره شکل «صحیح» املاهای لاتین این اسامی نقد و بررسی خواهد کرد؛ از آنجا که مصحح در لاتین‌نوشت‌های خود رویکرد واحدی ندارد، نگارنده نیز ناچار است هر کلمه را با رویکردی متفاوت و مرتبط با املاهای مصحح اصلاح کند:

۱. پیش از هر چیز با توجه به آنچه از مقدمه مصحح نقل کردیم باید گفت به نظر می‌رسد مصحح محترم نمی‌داند ما خطی به نام «خط فرانسه» نداریم. خط انواع مختلفی دارد که یکی از انواع آن، خط‌های الفبایی است. خط‌های الفبایی خود شامل خط‌های لاتین، سیریلیک، یونانی، ارمنی، گرجی و ... است. خط لاتین نیز همان است که امروزه در کشورهای مختلف از جمله فرانسه به آن می‌نویسند؛ بنابراین ناصرالدین شاه به خط لاتین می‌نویسد نه به خط فرانسوی که اصلاً وجود ندارد.

۲. مصحح در پاورقی نوشته: «ناصرالدین شاه همه‌جا Anissal Doleh را با E نوشته یعنی Eniss...». (همو، ۱۳۸۹: ۱۰۵) نخست باید گفت نه تنها ناصرالدین شاه در هیچ کجا این نام را به صورت Anissal Doleh (با تلفظ مصحح) ننوشته است که حال ایراد مصحح تنها بر تفاوت در حرف A یا E باشد، بلکه در هیچ کجا کلمه Enis را با دو S هم ننوخته است. مصحح املاهای «صحیح» انیس‌الدوله را به صورت Aniss-al-doleh ثبت کرده که البته صحیح نیست. کلمه انیس هیچ‌گونه تشدید ندارد و این حرف دال است که از حروف شمسی است و هنگامی که ال بر سر آن بیاید به صورت الدوله (Addoleh) تلفظ می‌شود؛ بنابراین بر فرض هم اگر مصحح قصد تغییر نوشتار ناصرالدین شاه را داشت، باید به صورت: Anis-Al-Doleh یا Anisaddoleh تغییر می‌داد.

در اینجا دو نکته قابل توجه وجود دارد:

نخست آنکه اسامی خاص عربی در حالت عادی و بدون قرار گرفتن در جمله که باعث تغییر نقش کلمات می‌شود به صورت مرفوع و با ضمه تلفظ می‌شوند نه با فتحه

بنابراین اگر قرار بر دست‌کاری املای ناصرالدین شاه هم بود تلفظی که بهتر بود ثبت می‌شد Anisodoleh بود. این موضوع درباره سایر کلماتی هم که مصحح با فتحه ثبت کرده صادق است؛ اما توجه داشته باشیم که به کمک همین لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه می‌توانیم تا حدی به شکل تلفظ او پی ببریم و متوجه شویم که این اسامی را نه با ضمه تلفظ می‌کرده و نه با فتحه بلکه با کسره تلفظ می‌کرده است و این مسأله از املای سایر نام‌هایی هم که به لاتین نوشته است و در جدول ذکر کردیم مشخص است. دیگر آنکه در بسیاری از سربرگ‌ها، مهرها و کارت ویزیت‌های آن روزگار هم لاتین‌نوشت القاب با تلفظ مکسور ثبت شده است^(۲۱) هرچند گاهی هم به صورت مرفوع نوشته شده است:



تصویر ۱: سربرگ‌های انتظام‌الملک (جدی، محمدجواد، ۱۳۹۹: ۶۳)



تصویر ۲: کارت ویزیت کمال‌الملک (سپهیلی خوانساری، احمد، ۱۳۶۸: ۲۰۰)

شاید در توضیح این مسأله بتوان گفت که در آن دوره، در ایران عموماً از الفبای فرانسوی برای نوشتار رسمی استفاده می‌شده است و ناصرالدین شاه نیز در ثبت القاب رسمی با الفبای فرانسوی در مواردی، تلفظ فرانسه را هم مدنظر داشته است و برای همین هم شاید مثلاً نام آنیس را با تلفظ فرانسوی آنیس ثبت کرده است.

۳. معلوم نیست مصحح نام بلقیس را چگونه تلفظ کرده که به صورت Bellequeis نوشته است. نوشتار استاندارد و امروزی این نام Balqis یا Belqis یا Bilqis یا Bilquis یا Belquis یا Balqees است و در هیچ کجا ابتدای آن Belle تلفظ نمی‌شود.

۴. لفظ ترکی «اغول» در اغول‌بکه (اغول‌بیگ) یا اقول‌بکه، Oghual تلفظ نمی‌شود و Oghul است.

۵. در تلفظ سرورالسلطنه نیز حالت مرفوع اولویت دارد ضمن آنکه املاى Saltanéh غلط است و مشخص نیست مصحح از کنار هم قرار دادن دو واج é و h قصد نشان دادن چه صدایی را داشته است زیرا یا باید مانند زبان فرانسه برای ادای صدای ه غیرملفوظ در پایان «سلطنه» فقط é را ذکر می‌کرد و یا باید مانند انگلیسی برای نشان دادن این صدا، eh می‌نوشت.

۶. فاطمه به صورت Fatemeh نوشته می‌شود.

۷. اولاً ناصرالدین شاه به وضوح نوشته Dokhter Émad (دختر عماد) پس اگر هم قرار بر تغییر لاتین‌نوشت‌های اوست، ذکر کلمه اضافی «الدوله» افزودن کلمه به نسخه خطی محسوب می‌شود که امری است ناروا؛ تلفظ رسمی این نام هم به صورت Emadoddoleh ارجح است.

۸. معلوم نیست هدف مصحح از نوشتن ie در پایان کلماتی چون Shirasie، Zaaghie، Santoorchie برای نام‌های زاغی، شیرازی، سنتورچی و... و خوانش آنها به صورت زاغیه، شیرازیه، سنتورچیه چیست؟ ناصرالدین شاه نیز هیچ‌گاه این کلمات را چنین ننوخته است. اگر هدف مصحح املا این اسامی با تلفظ فرانسه بوده است که باید گفت در زبان فرانسه این کلمات چنین نوشته نمی‌شوند؛ به علاوه نگارش کلمه‌ای مانند Santoorchie نه انگلیسی است و نه فرانسه.

۹. در زبان فرانسه صدای z با حرف z نشان داده می‌شود و نوشتن شیرازی به صورت Shirasie چه از این نظر و چه از نظر حروف پایانی غلط است.

۱۰. گلین به ترکی به معنی عروس است و گلین خانم نخستین زن عقدی ناصرالدین شاه است که ۲۵ بار نامش در کتاب گزارش شکارهای ناصرالدین شاه آمده. املاى این نام به صورت Gueline Khanom از طرف مصحح نشان می‌دهد ایشان این نام را گلین خانم خوانده است که غلط است.

۱۱. نگارنده حقیقتاً نمی‌داند مصحح محترم چطور به این نتیجه رسیده است که کلمه گُل (Gol) را در نام تاج‌گل به صورت Gaule ثبت و تلفظ کند.

۱۲. ناصرالدین شاه همسری به نام «دختر» با فامیلی «سالار» ندارد و درست است که خود، «دختر سالار» را به شکل Dohkter ç alar نوشته اما دلیل نمی‌شود مصحح هم فقط با تغییر یک حرف بنویسد Dokhtar Salaar؛ زیرا اگر از ابتدا مصحح بر آن بود که تلفظ‌های ناصرالدین شاه را عیناً حفظ کند و فقط املاهای کلمات را دست‌کاری کند، باید در سایر کلمات نیز چنین می‌کرد؛ پس در ثبت این عبارت هم باید می‌نوشت: Dokhtareh Salar.

۱۳. ناصرالدین شاه به هیچ‌وجه عبارت «شیرازی کوچک» یا «شیرازی بزرگ» را به صورتی که مصحح ثبت کرده یعنی Shirasié Koochekeh ثبت و تلفظ نکرده است و ما املاهای مصحح را به سه دلیل کاملاً رد می‌کنیم:

نخست: آن «ه» که به آخر صفت می‌چسبد، در واقع موصوف را معرفی می‌کند و توضیحی درباره آن می‌دهد و به جای صفت اشاره «آن» یا «این» قرار می‌گیرد و اصل آن را که بوده «آن شیرازی کوچک» با حذف نقش‌نما به «شیرازی کوچک» تبدیل می‌کند؛ بنابراین با این ساختار خودبه‌خود نقش‌نمای اضافه حذف می‌شود.

دوم: املاهای ناصرالدین شاه را از این عبارت در سه موضع در نسخه در همان جدول نشان داده‌ایم و می‌بینیم به هیچ‌وجه حرفی مبنی بر تلفظ نقش‌نمای اضافه در املاهای خود ثبت نکرده است.

سوم: در مواضع متعدد مانند جمله صفحه ۲۰ نسخه می‌بینیم:

(نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۲۰) نویسنده کلمه کوچک را در پرانتز قرار داده و همین نشان می‌دهد کلمه کوچک صرفاً جنبه توضیح و ایضاح و معرفی کردن دارد و به هیچ‌وجه اضافه خواندن آن با منطق زبان فارسی جور در نمی‌آید و هر خواننده‌ای که اندکی با زبان فارسی آشنا باشد به راحتی این جمله را به صورت: «شیرازی کوچک - نه بزرگ - بله شد» و بدون نقش‌نمای اضافه می‌خواند.

۱۴. املاهای «نوش‌آفرین» به صورتی که مصحح نوشته (Nossh Afarineh) از هر جهت غلط است. واژه «نوش» هیچ تشدید ندارد و در زبان فارسی اصلاً حرف آخر کلمه تشدید نمی‌گیرد؛ واژه دوم نیز «آفرین» است نه «آفرینه» با املاهای مصحح.

۱۵. ناصرالدین شاه به وضوح نوشته: «شب را هم *seltenet*»^{۲۰} به شد. (همان: ۱۴۴) مصحح «سلطنت خانم» را به «سلطان خانم» تغییر داده که این دو کلمه با هم فرق دارند.

۱۶. مصحح در دو موضع لاتین نوشت ناصرالدین شاه را به املائی فارسی تغییر داده است. همان طور که در نسخه پیداست ناصرالدین شاه کلمه نواب را در «نواب خانم» لاتین نوشته و خانم را به همان شکل فارسی ثبت کرده اما مصحح هر دو کلمه را به فارسی نوشته و آن را «خانم نواب» خوانده که خوانش صحیحی نیست زیرا ناصرالدین شاه این نام را در مواضع مختلف به صورت «نواب خانم» نوشته است: *رئیس*. (همان: ۳۷)

۷. تحلیل لاتین نوشت های ناصرالدین شاه و شناخت وجوهی دیگر از شخصیت او:

شاید بتوان گفت اولین و مهم ترین داده ای که از این لاتین نوشت ها به دست می آید اعلام این عقیده است که به نظر می رسد ناصرالدین شاه قاجار نخستین ایرانی است که برای نوشتن کلمات و جملات زبان فارسی از الفبای لاتین استفاده کرده است.^(۲۲) هرچند این لاتین نوشت ها با تفکراتی چون تغییر یا اصلاح خط فارسی که بعداً از سوی افرادی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم خان و ... مطرح می شود همراه نبوده است اما آگاهی از این مسأله به خصوص در تاریخ ادبیات فارسی، تاریخ زبان فارسی و مطالعات مربوط به تاریخ پیشنهاد اصلاح یا تغییر خط فارسی یا به طور کلی اقدام به نوشتن زبان فارسی با خط لاتین اهمیت بسیار دارد؛ متأسفانه می بینیم اطلاعاتی چنین ارزشمند و مهم با وجود آنکه سی سال است که یادداشت های ناصرالدین شاه با داشتن عنوان تصحیح بر روی آنها روانه بازار شده است به دلیل همین شکل دست کاری های خودسرانه مصححان، از نظر محققان پنهان مانده است.

در ادامه دو مسأله را مطرح می کنیم و سعی می کنیم با تحلیل اطلاعاتی که از لاتین نوشت های ناصرالدین شاه به دست می آید به آنها پاسخ دهیم:^(۲۳)

نخست آنکه ناصرالدین شاه برای نوشتن هر یک از حروف یا اصوات فارسی با الفبای فرانسوی، کدام معادل ها را برگزیده است؟ به عبارت دیگر آیا می توانیم با بررسی این لاتین نوشت ها در روزنامه های خاطرات او به وضع نوعی قرارداد برای معادل های فرانسه حروف فارسی، از طرف او برسیم؟

دوم باید به این نکته توجه داشت که هنگامی که ما می‌خواهیم کلمه‌ای را در زبان خود با خطی غیر از خط رسمی آن زبان بنویسیم خواه‌ناخواه در هنگام نوشتن، کلمه را آن‌طور که تلفظ می‌کنیم ثبت می‌کنیم؛ پس آیا تلفظ واژه‌ها از سوی ناصرالدین شاه در املاهای کلمات به خط لاتین تأثیری داشته است؟

۱. نخستین و مهم‌ترین گمانی که با نگاه کردن به املاهای کلماتی مانند *Fatmé*، *Dokhter*، *Féringi*، *Mésumé*، *Nvab* و مانند آنها به ذهن می‌آید، این است که به احتمال قوی این تلفظ‌ها نمود لهجه ترکی ناصرالدین شاه در ادای کلمات است و این املاها احتمالاً به‌عنوان تنها سند تاریخی است که به‌مانند ضبط صوتی، شیوه «گفتار» ناصرالدین شاه را از پس سال‌ها برای ما حفظ کرده است؛ حال اگر این نکته را نادیده بگیریم و مانند مصححان محترم تصور کنیم او در نوشتن کلمه فاطمه یا فرنگی یا دختر دچار «اشتباه» شده، با حذف و تغییر این املاها علناً یک سند تاریخی مهم را در شناخت بیشتر او از بین برده‌ایم.

۲. ناصرالدین شاه بعضی از کلمات را به دو یا سه شکل نوشته (جدول ۱: شماره‌های ۱، ۳، ۷، ۱۲ و جدول ۲: شماره‌های ۱، ۳) که برای آن سه احتمال را می‌توان مطرح کرد؛

نخست: در اینکه کدام حرف در زبان فرانسه با صدای موردنظرش مطابق بوده، تردید داشته است، مانند: *Nuch Aferin* و *Noch Aferin*، *Sobyde* و *Sobidé*؛

دوم: نامی را خود به چند شکل تلفظ می‌کرده، مانند: *Masumé* و *Mésumé*، *Oklbek* و *Okolbeké*؛

سوم: گاهی واژه را به سرعت می‌نوشته و در قید اعراب‌گذاری نبوده و گاهی باحاصله اعراب‌گذاری می‌کرده است، مانند: *Enis Edole* و *Enis Édolé*؛

۳. برای حرف ز گاهی معادل Z و اغلب معادل S را برگزیده: *Zaqi* (زاغی)، *Sehra* (زهرا)، *Saki* (زاغی).

۴. برای حرف غ گاهی معادل Q و گاهی معادل K را برگزیده: *Zaqi* (زاغی)، *Saki* (زاغی).

۵. برای حرف ق معادل K را برگزیده: *Bakéri* (باقری)، *Bélkis* (بلقیس).

۶. برای حرف ک معادل Q را برگزیده: *Chirasi Quchéq* (شیرازی کوچک)، *Choquhesltené* (شکوه‌السلطنه).

۷. برای حروف ج و چ معادل DJ را برگزیده: Tardji, Senturdji, Tadjedolé.
 ۸. اسامی مانند انیس الدوله، شمس الدوله، شکوه السلطنه را نه به صورت مرفوع و نه مفتوح بلکه به صورت مکسور تلفظ می کند: Enis Édolé, Chems Edolé.
 ۹. شاید گاهی به جای لاتین نویسی صرف، سعی می کند کلمه را با تلفظ فرانسه ثبت کند: Enis edole, Chrsi.
 ۱۰. بارها در نگارش صدای KH معادل خ، دچار اشتباه شده و به صورت HK نوشته است: Homá Hkanem, Glinhkanem, Dohkter Ç alar, Gérán Soltan Hkanem.
 ۱۱. پس از حرف س در کلمه «السلطنه» مصوتی قرار نمی دهد: Choquhesltené, Sororés Itane.
 ۱۲. به نظر می رسد بعضی کلمات را ناقص می نویسد: Homakhan.
- همان طور که می بینیم به نظر می رسد او در انتخاب معادل لاتین حروف یا اصوات فارسی حداقل برای خود یک نوع قرارداد داشته است و ما می توانیم خلاف مصححان آثار او با آگاهی از مفاد این قرارداد حداقل از داشتن ادعای صریح، بی تأمل و قطعی در غلط دانستن این لاتین نوشت ها و در نتیجه تغییر و حذف آنها، بپرهیزیم؛ هر چند نمی توانیم بعضی از معادل هایی را که برای حروف فارسی انتخاب کرده، نقد نکنیم؛ همچنین می بینیم که بخصوص در نوشتن حرف KH (خ) اغلب دچار اشتباه شده است.
- بررسی لاتین نوشت های ناصرالدین شاه اطلاعات ارزشمندی از کم و کیف دانش فرانسه او نیز در اختیار ما قرار می دهد؛ به عنوان مثال دقتی که در نوشتن واج های خاص مانند é یا آ برای ثبت دقیق تلفظی که مدنظر داشته، صرف کرده در نوع خود حائز اهمیت است.
۸. تغییر و حذف لاتین نوشت های ناصرالدین شاه از سوی مصححان روزنامه های خاطرات او در این سی سال باعث پوشیده ماندن چه اطلاعاتی در حوزه های مختلف دانش شده است؟
۱. مخفی ماندن اسنادی که نشان می دهد به احتمال زیاد ناصرالدین شاه نخستین ایرانی است که از حروف لاتین برای نوشتن کلمات و جملات فارسی استفاده کرده است.
 ۲. مخفی ماندن اسنادی در بررسی نحوه صحبت کردن او و اینکه احتمالاً به لهجه ترکی صحبت می کرده است.

۳. مخفی ماندن اسنادی مبنی بر چگونگی تلفظ کلمات و نحوه گفتار یک نفر در حدود ۱۵۰ سال پیش که به شدت در تاریخ زبان و ادبیات فارسی کمیاب است؛ آن‌هم نه زبان گفتار یک فرد عادی بلکه ناصرالدین شاه قاجار.

۴. مخفی ماندن اسنادی از دوره قاجار برای مقایسه تفاوت‌های گفتار و نوشتار و سیر تحولات واجی.

۵. مخفی ماندن اسنادی در بررسی سیر تلفظ بعضی نام‌های ترکی از حدود ۱۵۰ سال پیش تاکنون.

۶. مخفی ماندن اسنادی در بررسی کم و کیف فرانسه دانی ناصرالدین شاه قاجار.

۹. نتیجه

در این مقاله درباره اهمیت یادداشت‌های ناصرالدین شاه قاجار چه در شناخت زوایای مختلف شخصیت او و چه در سایر حوزه‌های دانش صحبت کردیم. نسخه‌های خطی آلبوم‌های روزنامه‌های خاطرات او را که تا به امروز برای ما شناسایی شده است و به آنها دسترسی داریم معرفی کردیم و به‌طور خاص به آلبوم شماره ۹۷ بیوتات سلطنتی که دربرگیرنده روزنامه خاطرات وی از سال ۱۲۷۹ ه.ق تا ۱۲۸۵ ه.ق است، پرداختیم. پنج تصحیحی را که از بخش‌های مختلف این آلبوم صورت گرفته به‌طور مختصر معرفی کردیم و به تعدادی از ایرادهای فنی و ساختاری این کتاب‌ها اشاره کردیم و گفتیم به دلیل ضعف در داشتن نگاه همه‌جانبه و تخصصی به مقوله تصحیح و در بسیاری موارد داشتن رویکرد ذوقی و نه علمی به تصحیح متن، نابسامانی‌های فراوانی به این تصحیحات راه یافته است که یک مورد از این نابسامانی‌ها را در این پنج تصحیح بررسی کردیم: تغییر و حذف املاهای لاتین ناصرالدین شاه از اسامی همسران خود. دیدیم هر دو مصحح بدون ذکر دلایل منطقی و با ادعای غلط بودن لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه کلیه لاتین‌نوشت‌های او را تغییر داده و حذف کرده‌اند؛ عبدامین همه لاتین‌نوشت‌ها را به فارسی تبدیل کرده است و قاضیها ادعا کرده آنها را به لاتین صحیح تغییر داده است. با درج تصویر لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه از نسخه خطی و بررسی لاتین‌نوشت‌های خانم قاضیها، با دلایل کافی نشان دادیم که تقریباً تمام لاتین‌نوشت‌های قاضیها در تغییر لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه غلط است و از هیچ روش استانداردی در ذکر اعلام به لاتین پیروی نکرده است. به تحلیل لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه پرداختیم و متوجه شدیم او حداقل برای خود یک نظام قراردادی برای معادل‌های فرانسه حروف

فارسی داشته است؛ همچنین ایرادهای لاتین‌نوشت‌های او را بررسی کردیم. در نهایت نشان دادیم حذف لاتین‌نوشت‌های ناصرالدین شاه توسط مصححان در طول ده سالی که از زمان چاپ بخش اول آلبوم ۹۷ از سوی فاطمه قاضیها و بخش آخر آن از طرف مجید عبدامین می‌گذرد از محققان حوزه‌های مختلف دانش و نیز در مورد شخصیت ناصرالدین شاه چه اطلاعاتی را پوشیده نگاه داشته است؛ اطلاعاتی از این دست که احتمالاً ناصرالدین شاه نخستین فرد ایرانی است که از حروف لاتین برای نوشتن کلمات و جملات فارسی استفاده کرده است و احتمالاً در تکلم، لهجه ترکی داشته است. در پایان باید گفت تصحیح متون و نسخ ارزشمند زبان فارسی بدون توجه به تأثیر مخرب تصحیحات ذوقی و غیرعلمی بر متن و بر سایر حوزه‌های دانش و بدون صبر و حوصله و تأمل کافی و انجام تحقیقات وسیع درباره مواردی از متن نسخه که از معهودهای ذهنی مصحح به دور است و بدون وسواس و نهایت دقت نظر، نه تنها به نابودی و بی‌ارزشی نسخه می‌انجامد و محققان را در استناد به این متون بی‌اعتماد می‌کند، بلکه اطلاعات ارزشمندی را از دسترس سایر حوزه‌های دانش نیز به دور نگه می‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در کتاب *فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات*، هم در فهرست ابتدای کتاب و هم در قسمت مربوط به توضیح این آلبوم سال ۱۲۷۹ ه.ق سال ۱۲۷۲ ه.ق خوانده شده است که صحیح نیست. ن.ک: آل داود، ۱۳۹۰: ص ۹ و ۲۲۴.
۲. آلبوم ۹۳ در سال ۱۳۷۸ با تصحیح پرویز بدیعی و در ۵۹۵ صفحه از سوی انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، منتشر شد. متأسفانه بر روی جلد، صفحه معرفی و شناسنامه کتاب به‌جای سال ۱۳۰۱-۱۳۰۴ به‌اشتباه سال ۱۳۰۰-۱۳۰۳ چاپ شده است.
۳. این آلبوم در سال ۱۳۸۹ با تصحیح الهام ملکزاده با عنوان *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه* از سوی نشر کتابدار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. از آنجایی که مصحح در مقدمه کتاب به اطلاعات نسخه‌شناسی آلبوم اشاره‌ای نکرده، نگارنده طی صحبتی که با مصحح داشت باخبر شد آلبوم مذکور در کاخ گلستان نگهداری می‌شود.
۴. ر. ک: آل داود، سیدعلی، *فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷.
۵. ر. ک: محمدی، نسیم، *تحلیل سبک‌شناختی آثار خودنوشت ناصرالدین شاه قاجار*، پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹؛ که به تحلیل و بررسی قدیمی‌ترین یادداشت‌های او پرداخته شده است.
۶. برای اطلاعات بیشتر درباره مشخصات نسخه ن. ک: آل داود، سیدعلی، *فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ۲۲۴-۲۲۹.
۷. ن. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: صص ۲۹-۸۷.

۸. گفتنی است نخستین ارجاع به صفحه نسخه در متن کتاب بنا به دلیلی نامعلوم با عدد ۳ آغاز شده است و بر این اساس تا پایان کتاب، ارجاع درون‌متنی به شماره صفحه نسخه به‌اشتباه ادامه پیدا کرده است.
۹. اغلاط ذکرشده به مقدمه آقای دکتر توفیق سبحانی هم که به نظر می‌رسد بر اساس مقدمه مصحح نوشته شده راه یافته است. ن. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵ الف: نه.
۱۰. ن. ک: همو، ۱۳۹۵ الف: صص یازده-دوازده و همو، ۱۳۹۵ ب: هفده-هجده.
۱۱. ن. ک: همو، ۱۳۹۵ ب: هجده.
۱۲. ن. ک: قاضیها، ۱۳۸۱: ۳۵-۶۱.
۱۳. نگارنده در مقاله در دست انتشار خود درباره عبارت «بله شدن» که ان‌شالله به‌زودی منتشر خواهد شد برای نخستین بار تلفظ صحیح و دقیق و معنای لغوی این عبارت را با استناد به متن نسخ خطی یادداشت‌های ناصرالدین شاه نشان داده است.
۱۴. جمله مصحح دارای ضعف تألیف است و به‌جای فعل «بود» باید فعل «است» به کار برود.
۱۵. مشخص نیست مصحح خود به ویرایش جملات این بخش پرداخته و یا ویراستار انتشارات میراث مکتوب تصمیم گرفته است با تبدیل فعل «کرد» به «نمود» و «شد» به «گردید» که مدت‌هاست به کار بردنشان از نظر ادبی مذموم است، از فصاحت کلام بیش‌ازپیش بکاهد.
۱۶. جمله مصحح دارای ضعف تألیف است و فعل ندارد.
۱۷. بعد از کلمه‌ای مانند «چون» که قرار است در مقابل آن مثال‌ها ذکر شود، باید علامت نقل قول قرار بگیرد.
۱۸. ن. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۹۷ ب: بیست.
۱۹. در صفحه ۱۱۳ کتاب *گزارش شکارهای ناصرالدین شاه* این جمله از نسخه خطی: «Tardji و Okolbeké بله شدند.» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۱) به‌طور کامل حذف شده است. ن. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۱۱۳؛ همچنین ناصرالدین شاه نام تارچی را (ردیف ۶ جدول ۱) در مواضع مختلف به همین یک شکل نوشته اما چون مصحح این نام را در صفحه ۱۳ کتاب حذف کرده برای اطلاع خوانندگان، صفحه نسخه و صفحه کتاب را که کلمه حذف شده ذکر کردیم.
۲۰. واژه فارسی‌نگلیسی یا فارسنگلیسی یا پینگلیش (ترکیب دو کلمه Persian و English) از ساخته‌های غیررسمی است که به استفاده از الفبای انگلیسی برای نوشتن کلمات فارسی گفته می‌شود.
۲۱. توجه به این نکته را مرهون دقت نظر جناب آقای دکتر رضا کسروی هستیم که عکس‌های ضمیمه متن را نیز در تأیید این مسأله سخاوتمندانه در اختیار نگارنده قرار دادند. بدین‌وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.
۲۲. نگارنده در مقاله خود درباره عبارت «بله شدن» که پیش‌ازاین به آن اشاره کرد، برای نخستین بار مثال‌هایی را از به‌کارگیری الفبای لاتین برای نوشتن جمله فارسی از طرف ناصرالدین شاه ارائه کرده است.
۲۳. توضیحات این قسمت و بخشی از جدول‌های ۱ و ۲ از پایان‌نامه دکتری نگارنده با عنوان *تحلیل سبک‌شناختی آثار خودنوشت ناصرالدین شاه قاجار* درج شده است که در سال ۱۳۹۹ ش در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دفاع کرده است.

منابع

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری*، مقدمه و فهرس، ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.

جدی، محمدجواد، نخستین سربرگ‌ها و برجسب‌های ایران، تهران، برگ‌نگار با همکاری فرهنگستان هنر، ۱۳۹۹.

سهیلی خوانساری، احمد، کمال هنر: احوال و آثار محمد غفاری کمال‌الملک، تهران، محمدعلی علمی و سروش، ۱۳۶۸.

قاضیها، فاطمه، سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه.ق)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران «پژوهشکده اسناد»، ۱۳۸۱.

_____ مراسم دربار ناصری (جشن آشنیزان): ۱۲۸۵-۱۳۱۳ ه.ق، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

محدث، میرهاشم، رسائل اعتمادالسلطنه: شامل بیست‌وچهار رساله، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۱. محمدی، نسیم، تحلیل سبک‌شناختی آثار خودنوشت ناصرالدین شاه قاجار، پایان‌نامه دکتري زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

ناصرالدین شاه قاجار، آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی [روزنامه خاطرات از ۱۲۷۹ ق تا ۱۲۸۵ ق]، شماره منبع: ۲۹۵/۷۲۲۶، شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۰۸۰۵۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

_____ دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه قاجار از سفر و شکار در فیروزکوه (محررم‌الی ربیع‌الاول ۱۲۸۲)، تصحیح فاطمه قاضیها، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۷ ج.

_____ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادى‌الثانی ۱۲۸۴ ه.ق به انضمام سفرنامه اول خراسان، تصحیح مجید عبدامین، تهران، محمود افشار با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۵ ب.

_____ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۳۰۹ تا صفر‌المظفر ۱۳۱۰ ق به انضمام سفرنامه عراق عجم، تصحیح مجید عبدامین و نسرین خلیلی، تهران، محمود افشار با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۷ الف.

_____ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ ق به انضمام سفرنامه‌های قم، لار، کجور و گیلان، تصحیح مجید عبدامین، تهران، محمود افشار با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۷ ب.

_____ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه: ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ تا ربیع‌الاول ۱۲۸۳ ق به انضمام سفرنامه مازندران، تصحیح مجید عبدامین، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۵ الف.

_____ گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار: ۱۲۷۹-۱۲۸۱ ه.ق، تصحیح فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹.